

جایگاه فقه حکومتی؛ اهمیت و ضرورت توجه به آن در تمدن نوین اسلامی

امیر علی حسنلو^۱

علی محمودی^۲

چکیده:

دانشمندان اسلامی درباره فقه حکومتی آثار علمی قابل توجه دارند؛ اگر چه مسئله نوین در گستره علوم و تمدن اسلامی است؛ اما از نظر متن و محتوا، در این زمینه دارای غنا است؛ دانشمندان قرون نخست به جهت تقارب فقه و حکومت در اسلام به این موضوع نگرش خاص داشته و افزون بر آن کتاب‌های عمومی نیز موضوعات مهم حکومت و حاکم و حقوق رعیت و مردم مطرح و از منظر شریعت بررسی نموده‌اند؛ کتاب‌های فقه القضا و آداب القضاء، از جمله منابع غنی برای بازنگری فقه حکومتی است، افزون بر اینها، تک‌نگاری‌های مرتبط با موضوع، کتاب‌هایی با عناوینی: احکام السلطانه، آداب الحکم و دستور الوزراء و اخلاق ناصری و... نگاشته‌هایی دارند نیازمند تحقیق و پژوهش و تحلیل و بازبینی است. تامل نوین درباره فقه حکومتی میان دانشمندان اسلامی پس از انقراض خلافت عثمانی و تجزیه قلمرو حاکمیت خلافت که وارث خلافت اسلامی بود، سبب چالش و تشکلهای علمی و گفتمان‌های نو در میان پژوهشگران مسلمان و غیر مسلمان که به علوم و مسائل جهان اسلام نگرش ناقدانه و تحلیل‌گرانه داشتند شکل بگیرد؛ این جریان سبب رویکر مجدد به سیره پیامبر ﷺ و منابع اسلامی شد و آثاری در رد ربط شریعت و نبوت و فقه با حکومت نوشته شد؛ در مقابل طرفداران نظریه «خلافت ادامه رسالت» آثاری نوشتند و سیره پیامبر ﷺ از زاویه و نگاه نو که به نهادها توجه داشت مورد بازنگری شد، آثاری با عناوین «نظم الاسلامیه» یا تشکیلات اداری مسلمانان و... نوشتند؛ در این مقاله ضمن بررسی پیشینه فقه حکومتی در اسلام به ضرورت و تحول این بینش و نظریه پرداخته شده است.

کلید واژه‌گان: سیره نبوی، فقه اسلامی، علوم اسلامی، تمدن اسلامی، فقه حکومتی، تشکیلات اسلامی.

۱. عضو شورای علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی hasanloo۱۳۴۹@yahoo.com

۲ دانشجوی دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی

مقدمه

فقه حکومتی یکی از موضوعات و مباحث علمی و کاربردی و مهم در گستره تمدن اسلامی است که نیازمند رویکردهای جدید و روشمند و تحلیل‌های جامع‌نگرانه است؛ به‌ویژه در عصر حاضر که تمدن غرب با تمدن اسلامی در عرصه‌های گوناگون و متنوع در پی ایجاد چالش‌های جدی سیاسی و علمی و هنری و معماری و در یک کلمه تمدنی است. تمدن اسلام از آغاز پیدایش و شکوفایی، همه تمدن‌ها را با ظرفیتی که داشته است، در خود فرو برده و هضم نموده و شکل تازه‌ای از آن را نمود داده است. اکنون در مرحله حساسی که تمدن اسلام در ارتباط با غرب قرار دارد، تمدن اسلامی نیازمند بازبینی گذشته و جهش به سوی قله‌های علمی و معنوی است که پژوهش‌هایی با موضوع این مقاله، از جمله کوشش‌ها و راهکارهای علمی در این راستاست. این مقاله با طرح این سؤال اصلی که «اهمیت و جایگاه فقه حکومتی در تمدن نوین اسلامی چگونه باید باشد؟» به تبیین ضرورت و پیشینه و راهکارهای رویکرد نوین به فقه حکومتی پرداخته است.

کلیات و مفاهیم

پیشینه نگرش جامع به فقه در تمدن اسلامی

اساس و مبنای فقه اسلامی قرآن کریم است. با بررسی و تأمل در آیات قرآن و اینکه چه میزان از آنها مربوط به اصلاح امور فردی و سبک زندگی افراد است، درمی‌یابیم که توصیه‌های قرآنی از فرد شروع شده و به جامعه عمومیت پیدا می‌کند و اعمال عبادی جمعی و توجه به اجتماع و تشکیل امت و انسجام آن، از تأکیدات اسلام است. آیه نفر (توبه: ۱۲۲) تفقه در تمامیت دین را تکلیف گروهی از مسلمانان کرده تا پس از یادگیری، به دیگران بیاموزند. براین اساس هم نمی‌توان دین را به بخشی از زندگی و امور اختصاص داد و بخش دیگر را جدا کرد. این توجه به فقه حکومتی در صدر اسلام نیز بوده است؛ به‌گونه‌ای که از جامعه جاهلی فاقد هرگونه تمدن، جامعه‌ای می‌سازد که افراد آن جامعه در دفاع از آن ایثار می‌کنند و تمدن بزرگی را بنیان می‌گذارند و این تحول در انسان و تربیت او، از مصادیق تأثیر فقه حکومتی است. همه احکام اسلام در سایه حکومت قابل اجرا و عملی شدن است. وقتی فقه دستورالعملی کامل برای ساختار یک تمدن است و تمام عناصر تمدن ساز در آن گنجانده شده است، بی‌گمان یکی از ظرفیت‌های آن، حکومت است و به تمام معنا همه فقه حکومتی استر برای نمونه بهداشت در تمدن و حفظ و تعالی تمدن‌ها نقش مؤثر دارد و آغاز تمام کتاب‌های فقهی با بهداشت و پاکیزگی و نظافت است.

پیامبر ﷺ در مقام شاریت است؛ از این رو احکام اجتماعی و فردی را بیان می‌کند و فقه از سیره و سخنان آن حضرت تکون یافته است. فقه در ساحت کلی به اصلاح امور فرد و شئون و وظایف اجتماعی فرد پرداخته



است؛ پس کلیات این مسائل در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح بوده است. تأسیس تشکیلات حکومتی و به عبارتی فقه حکومتی در سیره نبوی، اثبات‌کننده این قضیه است که این فقه از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بوده است؛ لذا دایره فقه حکومتی شامل تمام شئون زندگی انسان است.

بر همین اساس، امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله حتی با فتنه‌های داخلی و مسائلی که برای او ایجاد کردند، ذره‌ای از دستورات الهی و سنت نبوی کوتاه نیامد؛ خلفای دیگر نیز که قبل از آن حضرت حاکم بودند، به تبیین فقه حکومتی و فقه فردی قائل نبودند؛ براین اساس، اهل سنت نیز به امور فردی و اجتماعی تأکید داشتند. اینکه برخی از خلفا در امور عبادی و فردی نظر داده‌اند و مردم را وادار به اطاعت از فرمان خود کرده‌اند، مثل دستور خلیفه دوم بر نماز تراویح و متعه حج و نساء (مالک بن انس، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۹۹؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۳۶؛ عبدالرزاق الصنعانی، ۱۴۳۴: ج ۱، ص ۴۷۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۱۱، ص ۷۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۲۷۷؛ علامه شرف الدین، ۱۳۶۳: ص ۶۰؛ جاحظ، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۲۲۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۲، ص ۳۰۷) نشان می‌دهد که نه مبانی اهل سنت و نه مبانی شیعه هیچ‌یک به جدایی فقه فردی و فقه حکومتی و تجزیه آن دو از یکدیگر قائل نبوده‌اند؛ در نتیجه به جدایی دین از سیاست نظر نداده‌اند. از این رو ما می‌بینیم که فارابی با همین رویکرد به طرح مدینه فاضله روی آورده است. بی‌گمان این نوع فقه در اسلام وجود داشته و تاریخ نشان می‌دهد که در عمل نیز اجرا شده است. اما اینکه از چه زمانی متفکران اسلامی فقه را با این جامعیت نوین دیده‌اند و به سراغ تفکیک و دسته‌بندی و تحلیل این مسائل رفته‌اند و این نگرش را با آمیزه‌ای از سیاست و حکومت و اندیشه‌های جدید دیده‌اند، مطلب دیگری است و می‌توان گفت که این مسئله از مسائل نوپدید و متأخر است. این مسئله با رویکرد نوین و نیازهای جدید، به تدریج پس از تأسیس فقه اجتهادی در شیعه به وجود آمده است. پویایی احکام اسلام و جامعیت آن، نشان می‌دهد که به نیازهای زمان و مسائل نوپدید پاسخگوست.

نتیجه اینکه نگاه به فقه حکومتی و عمل بر اساس آن، از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بدون تبیین و با جامعیت وجود داشته و به تمام شئون زندگی انسان ناظر بوده است. این ظرفیت وسیع که برگرفته از قرآن و سنت نبوی و دیگر معصومان است، در آن دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد که ادعای تبیین، حاصل نگاه غیردینی و غیراسلامی و وارداتی متأثر از آثار و اندیشه‌های غربی است که پس از سیطره طولانی و متعصبانه کلیسا بر امور سیاسی در غرب در میان مردم این نگاه را ایجاد کرد که به تفکیک سیاست و دین‌گرایی داشته باشند. نگاه دگم‌اندیشانه کلیسا به علم و موضوعات دیگر و ابداعات و دستاوردهای تمدنی بشر، گروهی از دانشمندان را وادار کرد که دگرگونه‌اندیشیده و به کلی منکر دین یا جامعیت آن شوند و در مقابل کلیسا و مسیحیت نظر بدهند. رویش و جوانه‌های جدایی دین از سیاست، از این زاویه و زمان دیده می‌شود. در میان اندیشمندان مسلمان نیز این پینش پس از اشغال قلمرو اسلامی و تجزیه امپراطوری اسلامی با مرتبط شدن با مراکز علمی غرب متأثر از نگاه دانشمندان کلیساستیز غرب ایجاد شد

بایگانه فقه علمی: اینترنت ضرورت تبیین دین در جهان نوین اسلام

(عبدالرازق، ۱۳۸۲: ص ۹) این جنبش فکری در جهان اسلام موج زیادی ایجاد کرد و تنش فکری و عملی به وجود آورد و در این زمینه نیز آثار زیادی نوشته شد که بیشتر محوریت آنها فقه حکومتی بود.

فقه حکومتی

در گستره تاریخ تمدن اسلامی، همواره به فقه حکومتی توجه ویژه شده و فقهای مسلمان آثار قابل توجهی را در این راستا نگاشته‌اند. مبانی و اصول فقه حکومتی در اندیشه فقهای - شیعه، قرآن و سنت پیامبر ﷺ و سیره و روش آن حضرت و اهل بیت آن حضرت و عقل بوده است؛ در میان فقهای اهل سنت، فزون بر قرآن و سنت عمل صحابه که خلفای اولین نیز مصداقی از آن است می باشد. در میان فقهای شیعه، درقبال صحابه عام سیره ائمه علیهم السلام و صحابه ممتاز که سیره‌شان مستند به سنت و سیره نبوی و مطابق قرآن بود، معیار مکمل و مورد پذیرش است. تا شکل‌گیری حلقه اول فقها و فقه با رویکرد حکومتی آن، معیار عمل، استناد به قرآن و سنت با اجتهادات آغازین بود که دو مبنا در همین زمان شکل گرفت. پس از دوره تأسیس و تدوین فقه که با محوریت روایات پیامبر ﷺ و آیات قرآن و تفسیر آن که به صحابه ارجاع شده و افرادی چون ابن عباس و مفسرین قرآن از جمله امیر مؤمنان علیهم السلام و برخی دیگر از بزرگان صحابه و خلفا مرجعیت و عمل آنها مرجعیت دارد و معیار قرار گرفته است.

فقه اسلام بر محور حدیث و تفسیر قرآن و آراء مفسرین، بویژه فقه جعفری مهمترین مکتب فقهی اسلام است که به تکمیل و تکون فقه اسلامی منجر گردیده است؛ لایه‌های بعدی تمدن اسلامی که علوم مختلف شکل گرفت و علم حدیث و فقه و علم تفسیر به جهت استنادات به قرآن و نظر مفسران و گرایش‌های دیگر از علوم در این دوران جوانه زده و شکل گرفت، این نگرش که فقه حکومتی همان فقه سیاسی است و منظور از آن، آن دسته از احکام فقهی است که درباره اداره جامعه و تدبیر امور حکومت کاربرد دارد، دو دیدگاه در این موضوع پدیدار شده و مورد کنکاش بوده است:

الف) تمام فقه، حکومتی است: به این معنا که فقه در بیان احکام مکلفین، آنها را در بستر اجتماع و در حاکمیت حکومت می‌بیند و احکام فردی آنها را بیان می‌کند؛ چون انسان برای انجام تکلیف فردی و اجتماعی، بریده از اجتماع نیست. در این نگرش، تمام امور و شئون زندگی انسان تحت فقه قرار می‌گیرد؛ اعم از افعال فردی و اجتماعی انسان و حقوق متقابل او و امور کلان جامعه که فقیه درباره آنها نظر دارد و فقه روابط کلان سیاسی و مسائل فرهنگی و حقوق مدنی، همه را شامل می‌شود.^۱ با نگاه تمدنی، این نگاه جامع

۱. رهبر انقلاب در پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه در تاریخ ۱۳۷۱/۲۴/۰۸ می‌فرمایند: «تشکیل نظام اسلامی که داعیه‌دار تحقق مقررات اسلامی در همه صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای استثنایی و بی‌سابقه بر دوش حوزه علمیه نبوده است؛ و آن تحقیق و تنقیح همه مباحث فقهی‌ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره هریک از بدنه‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است. فقه اسلام، آن‌گاه که اداره زندگی فرد و جامعه را با آن گستردگی و

مورد پذیرش است و نظر جامع نیز همین است که تمام فقه را که به تمام امور حیات انسان مربوط است و با سعادت و پیشرفت او مربوط است، باید فقه حکومتی تلقی نمود.

ب) فقه حکومتی با محدوده خاص: در تعریف دوم، فقه حکومتی بخش خاصی از مسائل فقهی است که شامل مقررات خاص حکومتی، همچون حقوق جزایی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی است؛ در حالی که این تعریف جامع نیست.

از این رو می‌توان گفت: فقه حکومتی متضمن بیان احکام شرعی عمومی است تا در سایه این بیان، انسان به صورت فردی و اجتماعی به سوی سعادت و هدایت رهنمون شود. با این تعریف، فقه حکومتی عموم ابواب فقه را شامل می‌شود. سیره پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز این گونه است و جامعه و افراد را مورد خطاب قرار داده است. امور فردی و اجتماعی از نظر اسلام دارای اهمیت یکسان هستند و لذا انسان از لحاظ فقه حکومتی موظف به رعایت و مراقبت تمام امور فردی خود است؛ و ارستگی فردی منجر به رشد و سلامت جامعه خواهد شد؛ چه از نظر حقوق فردی و چه از نظر حقوق جمعی، و حاکمیت در نظر شرع وظیفه دارد زمینه اصلاح فرد و اجتماع را فراهم نماید.

تمدن نوین اسلامی

تمدن به مجموعه‌ای از دستاوردهای علمی و فرهنگی بشری گفته می‌شود که دارای نمادهای سخت و نرم است. تمدن اسلامی به مجموعه دستاوردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در گستره قلمرو اسلامی گفته می‌شود که از صدر اسلام شکل گرفته و استمرار داشته است و با گسترش قلمرو اسلامی، تمدن‌های دیگر ملل را تحت تأثیر معنوی قرار داده و شکل نوین و جلوه‌های الهی و پایدار به آنها داده است. تمدن نوین اسلامی را می‌توان استمرار تمدن اسلامی با گستره ممالک اسلامی جدید در قلمرو جهان دید که با وجود داشتن ملیت‌ها و اقوام و نژادها، زیر چتر بزرگ فرهنگ اسلام زیست داشته و با هم پیوند معنوی عمیق و ناگسستنی دارند. پس از انقراض خلافت عثمانی، غرب به تجزیه قلمرو اسلامی و مستعمره کردن آنها پرداخت و در صدد محو و نابودی فرهنگ و تمدن اسلامی برآمد، تا پیوستگی معنوی ممالک و ملل مسلمان را از هم منفک نموده و به پیشرفت و استقلال مسلمانان و اسلام در جهان خاتمه دهد. اما علمای اسلام در سرتاسر قلمرو اسلامی با درک این توطئه بزرگ، رودرروی استعمار ایستاده و مردم را در این صحنه بسیج

پیشچیدگی و تنوع مطمح نظر می‌سازد، مباحثی تازه و کیفیتی ویژه می‌یابد و این، همان طور که نظام اسلامی را از نظر مقررات و جهت‌گیری‌های مورد نیازش غنی می‌سازد، حوزه فقاهت را نیز جامعیت و غنا می‌بخشد. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون يك حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی، یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام، در تشکیل جامعه‌ی نمونه و حیات طیبه اسلامی امروز، یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است که نظم علمی حوزه، امید برآمدن آن را زنده می‌دارد».

نمودند تا بیداری اسلامی شکل گرفت. در این راستا جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش و استقلال‌طلب اسلامی در آفریقا، آسیا و... به وجود آمدند. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موج دیگر بیداری و حیات نو در مقابل گفتمان امپریالیسم و استعمار شکل گرفت. این قیام حیات‌بخش تمام تعاملات جهان را تحت الشعاع خود قرار داد. اندیشه نوینی که رهبری آن برای حیات مجدد تمدن اسلامی مطرح نمود، «ولایت فقیه» بود. تمدن نوین اسلامی که در سراسر ممالک اسلامی مطرح گردید، پیرامون این اندیشه و عملکرد عینی آن به‌عنوان نهادی برخاسته از متون اسلامی است که مقاومت اسلامی و نهضت‌های بیدارگر را در ممالک اسلامی شکل داده است.

دیدگاه‌ها

اختلاف در فقه حکومتی بین دانشمندان شیعه و اهل سنت نیز بابتی گشوده که درباره حکومت و مشروعیت آن و فقه حکومتی و حاکمیت در اسلام آثار زیادی در تمدن اسلامی نوشته شود. اختلاف آنها از این مبنا شروع می‌شود که علمای اهل سنت دیدگاه و عمل حاکمان و همه صحابه و حتی تابعین را در باب فقه حکومتی دلیل می‌دانند و در نگاه شیعه، صحابه اگر عادل و معصوم نباشند، نظر و عملشان حجت نیست (لمبتون، ۱۳۷۴: ص ۳۶۷-۳۸۴). آنها حکومت سلاطین و خلفا را حکومت ولّی امر و آنان را اولی الامر می‌دانند.^۱ برخی مانند فخر رازی و ماوردی، اهل حل و عقد را اولی الامر می‌دانند^۲ (لمبتون، ۱۳۷۴: ص ۱۵۸-۱۸۰). اما علمای شیعه با تکیه بر نص، اولی الامر را در امامان معصوم علیهم‌السلام منحصر^۳ و در دوره عدم حضور امام، جانشین منتخب از سوی او را مصداق اولی الامر دانسته و حکومت او را مشروع و حکومت غیر او را نامشروع دانسته‌اند. برخی از علمای شیعه^۴ در راستای عمل به تکلیف و تکلیف‌گرایی که همیشه از سوی خداوند بر انسان حاکم است، همکاری با سلاطین را برای اصلاح آنها و جهت اجرای تکالیف و دستورات دین و از باب وجوب امر به معروف و با تأسی به سیره امیر مؤمنان علیه‌السلام و... جایز دانسته‌اند (لمبتون، ۱۳۷۴: ص ۳۵۸-۳۹۰).

فقه حکومتی و آثار دانشمندان

علماء و اندیشمندان بزرگ اسلامی ضمن اینکه در باب حکومت و حاکم و فقه حکومتی کتاب‌های

۱. مانند ابن تیمیّه در کتاب السیاسه الشرعیّه و ابن خلدون در مقدمه، ج ۱، ص ۳۸۹؛ بر اساس آیه ﴿اطیعوا الله واطیعوا الرسول...﴾ (نساء: ۵۹).

۲. تفسیر آیات الاحکام، ص ۳۳۰.

۳. المیزان، ج ۴، ص ۶۳۵.

۴. مانند فیض کاشانی و...

اختصاصی با عناوین خاص نوشته و آرای خود را درباره حکومت و فقه حکومتی و حاکمیت و مشروعیت آن به تفصیل بیان کرده‌اند، کتاب‌های زیادی را در گستره تمدن اسلامی در این موضوع نگاشته‌اند؛ مانند آراء المدینه الفاضله (فارابی)، الفخری فی الاداب السلطانیه و الدول الاسلامیه معروف به الاداب السلطانیه ابن طقطقی (۶۰۶-۷۰۹) اخلاق ناصری (از خواجه نصیرالدین طوسی) الاحکام السلطانیه (ماوردی) تحفه الملوک و آثار الوزارة از عقیلی، سیر الملوک یا سیاست‌نامه از خواجه نظام‌الملک طوسی، دستور الوزارة از محمود بن محمد اصفهانی است با تصحیح و تعلیق انزابی نژاد؛ با همین عنوان کتابی از خواندمیر و واعظ استرآبادی (اصفهانی، ۱۳۶۴: ص ۱۴-۱۵)، تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام ابن جماعه که به شیوه کتاب ماوردی نوشته شده است (لمبتون: ۱۳۷۴: ص ۲۴۴)، السیاسه الشرعیه فی اصلاح الراعی والرعیه از ابن تیمیه، آداب الملوک (فخررازی) و سیاست‌نامه (خواجه نظام‌الملک طوسی) نصیحه الملوک (غزالی) سلوک الملوک (خونجی) آئینه شاهی (فیض کاشانی). البته فیض در آثار دیگرش نیز درباره فقه حکومتی مباحثی علمی دارد؛ مثل بحث نماز جمعه که دیدگاه او را در باب فقه حکومتی روشن می‌کند (لمبتون، ۱۳۷۴: ص ۴۰۰-۴۰۲). همچنین بسیاری از علمای اسلام در باب فقه حکومتی، نگاه خاص خود به حکومت و حاکمیت را در لابه‌لای مباحث فقهی نوشته‌اند؛ مثل شهید اول که که کتاب اللعنه الدمشقیه را که یک دوره فقه امامیه است، برای سرداران به‌عنوان منشور حکومتی نوشت (ابرو، ۱۳۵۰ش: ص ۲۵۰). اعتقاد او بر تمامیت موضوعات فقه در باب حکومت استوار بود که چنین کتاب جامعی در فقه نوشته است. شهید اول معتقد است که در عصر غیبت به غیر از نایب خاص 'نواب عام حاکم هستند. در نظر وی، فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت حکمش همانند حکم ناییبی است که به‌خصوص از سوی امام معصوم منصوب شده است (شهید اول: ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۶۷) و شهید ثانی الروضه البهیة را در شرح همین کتاب نوشته و آرای جامع‌تر و کامل‌تری ذیل آن جمع‌آوری نموده است. شیخ بهائی به‌عنوان شیخ الاسلام رسمی عهد صفویه، نام کتاب فقهی خود را به نام شاه عباس صفوی جامع عباسی گذاشته و این نیز دلیل و گواهی دیگر بر نگاه جامع دانشمندان شیعه بر حکومتی بودن تمام فقه است. برخی از دانشمندان دیدگاه خود را در آثار تاریخی خود نوشته‌اند. ابن خلدون در دو کتاب العبر که کتاب جامع تاریخی است و مقدمه آن که آرای خود را درباره موضوعات و علوم مختلف نگاشته است، درباره فقه حکومتی و حکومت و خلافت، نظریه‌پردازی کرده است. بحث‌های پر دامنه‌ای در باب فقه حکومتی وجود دارد که نیازمند جمع‌بندی و تبیین است (ابن خلدون، ۱۹۹۶: ص ۱۰۷-۲۰۹). برخی همانند سید مرتضی علم‌الهدی با نوشتن رساله‌ای با عنوان مسأله فی العمل مع السلطان در این موضوع سخن گفته و به طرح دیدگاه خود پرداخته‌اند. شیخ طوسی نیز در آثار فقهی و فتوایی خود، به اجرای حدود از سوی حاکم معتقد است که نشان‌دهنده ظهور و بروز فقه حکومتی بوده و ساحت‌هایی در آن وجود دارد که باید ناشی از دستور حاکم باشد؛ مانند امر به معروف، جهاد، قضا، اجرای حدود و برگزاری عبادات اجتماعی همچون

نماز جمعه و عیدین (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ص ۳۵۶-۳۷۰ و ۵۵۹-۵۶۰). بحث نیابت فقها در اجرای احکام فقهی که بیشتر فقهای شیعه به آن گرایش دارند، حاکی از تقارن و همسویی فقه و حکومت و ملازمه فقه حکومتی و حاکمیت در گستره علوم اسلامی است. نیابت فقها از امام در بین فقهای پس از زمان شهید اول تا عهد صفویان در اوج و ترقی مطرح شده است (لمبتون، ۱۳۷۴: ۴۲۷-۴۳۱).

موج دیگری از آثار و نگاه‌های علمی جدید درباره موضوع فقه حکومتی در بین اندیشمندان مسلمان پس از تجزیه و انقراض حکومت عثمانی با طرح دول استعماری شروع شد. در این زمان جهان اسلام با بحران جایگزین خلافت مواجه شد. هرکس یک مدل حکومت برای خلافت ارائه داد تا جبران خلأ ناشی از خلافت شود و جهان اسلام از این بحران اندیشه و حاکمیت رها شود. شماری تأکید به روش سنتی با استقلال از دیگران و گروهی راه نجات از بحران ناشی را به الگوگیری از مدل غربی گرایش یافته و به سختی از آن طرفداری کردند. در این میان، یکی از تحصیل‌کردگان الازهر به نام علی عبدالرازق در مصر با توجه به شرایط خاص اجتماعی و سیاسی که به وجود آمد و قلمرو عثمانی تجزیه شد و حکومت عثمانی در حال انقراض بود و حاکمیت آن بر قلمرو اسلام پایان می‌یافت، برای حل این بحران که «چه چیزی جایگزین خلافت عثمانی شود»، در مقابل نظرات سنتی مانند نظام سلطانی و پادشاهی و... که مطرح بود، نظریه‌ای را مطرح کرد و با این نظریه از اساس منکر جامعیت اسلام برای اداره امور سیاسی و اجتماعی گردید و شأن پیامبری را جدا از شأن سیاست و حکومت قلمداد کرد. او پیامبر اسلام ﷺ را مأمور تشکیل حکومت ندانست و ایده خود را با استناد به آیات مختلف و شیوه خلافت ابوبکر و عمر و... با جدیت مطرح کرد و جدایی دین از سیاست را سرداد! و خلافت پس از پیامبر ﷺ را کاری بر اساس تصمیم مردم و خواسته مردم و کهنه تفسیر نمود و آن را غیردینی و لائیک دانست (عبدالرازق، ۱۳۸۲: ص ۳۳-۳۶). نتیجه دیدگاه او مغایرت کامل با فقه حکومتی داشت که نوعی فترت برای اندیشه اسلامی و مردود شمردن نظر همه فقهای مسلمان تا عصر خود بود. او در این دیدگاه، شاگردانی نیز تربیت کرد و طرفدارانی یافت که بر نظر او پافشاری نموده و آثاری نیز نوشتند. بازخورد آرای او موجی در میان دانشمندان مسلمان ایجاد کرد و دانشمندان الازهر پاسخ‌هایی درباره فقه حکومتی بر او نوشتند و آثار نو و نگاه و تحلیل‌ها و بازنگری‌های نوین به تاریخ اسلام خلق شد. دانشمندان مسلمان مصری و دیگر مسلمانان شیعه و اهل سنت از هند، عراق، ترکیه، لبنان و ایران نیز، هریک به فراخور مبانی خود، به پاسخ به تئوری عبدالرازق پرداختند (همان: ۴۹-۵۱).

علمای اهل سنت فقه حکومتی

بسیاری از علمای اهل سنت نیز با جامعیت فقه در اداره جامعه موافق و در این زمینه چنان‌که اشاره شد، کتاب‌ها و آرای گوناگون و آثار متنوعی دارند. سابقه علمی و تقدم نظریه‌پردازی علمای اهل سنت به جهت تجربه حکومتی، به قرون نخستین برمی‌گردد؛ لذا پس از مطرح شدن نظریه علی عبدالرازق در رد این نظریه،

آثار مختلفی با استناد به منابع فقهی و نظریات علمای اهل سنت نوشته شد. از جمله از سوی رشید رضا، محمد عماره و صنحوری، کتاب‌های متعددی در رد نظریه علی عبد الرزاق در مصر به قلم تحریر درآمد. آثار احمد امین مانند فجر الاسلام، ضحی الاسلام و ظهر الاسلام، جابری، آرکون و...، برخاسته و بازتاب این نظریه و حاصل این دوره است. کتاب‌های الترتیب الاداریه کتانی که با اندک فاصله زمانی با کتاب الرزاق نوشته شده و النظم الاسلامی صبحی صالح و کتاب‌های زیادی با عنوان «نظام الحاکم فی الاسلام» در همین دوره و به تدریج خلق شده‌اند که می‌توان همه آنها را در راستای فقه حکومتی علما و دانشمندان اهل سنت دانست که دامنه آنها همچنان ادامه دارد؛ تقابل دو اندیشه همچنان در جوامع اسلامی برقرار بوده و آثار و نگاه‌های مختلف ارائه می‌گردد (همان: ص ۵۰).

علمای شیعه و -فقه حکومتی

فقها و بزرگان شیعه نیز قائل به جامعیت فقه برای اداره فرد و اجتماع بوده‌اند؛ نظریه جامعی از سوی شیعه که مسبق به سابقه بوده است. از فقهایی که به این نظریه قائل بودند، می‌توان به سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه حلی، فیض کاشانی، مرحوم نراقی و... اشاره کرد که براساس مبانی قرآنی و روایی، به این نظریه توجه داشته‌اند. پس از حوادث رهمزمان و مرتبط با نظریه عبدالرزاق نیز در میان شیعه کتاب‌هایی از سوی برخی از دانشمندان، از جمله امیر علی در هند و شمس‌الدین در لبنان نوشته شد. کتاب ولایت فقیه امام خمینی نیز در پاسخ به یکی از کتاب‌هایی بود که در ایران در راستای نگاه عبدالرزاق منتشر شد و سرانجام بهترین مدل حکومتی که امام برای مسلمانان ارائه کرد، نظام «ولایت فقیه» بود. حضرت امام نظریه ولایت فقیه را در کتابی با عنوان کشف الاسرار مطرح نمود؛ که کامل‌تر از همه نظرات حکومت اسلامی در طول تاریخ اندیشه اسلامی بوده است؛ جامع‌ترین بینش براساس فقه حکومتی که مطرح گردید اگرچه پیشینه این اندیشه را می‌توان در فقه و حدیث شیعه با محوریت مبانی قرآنی یافت که فقهای شیعه در ابواب مختلف فقه آثار فقهی و کلامی مطرح نموده‌اند؛ امام پس از آن نیز درسی را در نجف اشرف با همین عنوان ارائه نمودند که در کتابی با عنوان ولایت فقیه منتشر گردید (معرفت، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۱۶۴؛ همو، ۱۳۶۸: ص ۱۴۵).

امام در این کتاب ضمن پاسخ به شبهات مطرح‌شده از سوی وهابی‌ها درباره اعتقادات شیعه پیرامون نظریه جدایی دین از سیاست و دفاع از حاکمیت وقت و رفتارهای مغایر با شرع، این افکار را خلاف آموزه‌های قرآن و در تضاد با آموزه‌ها و احکام دین معرفی کرد. امام تمام فقه را به‌عنوان تئوری حکومت اسلامی دارای ظرفیت برای اداره جامعه می‌داند و از معنای راستین اولی الامر در نگاه شیعه نیز در این کتاب به شدت دفاع نمود (امام خمینی، ۱۳۶۳: ص ۱۳۲). نظریه امام در باب فقه حکومتی، در طول تاریخ و تمدن اسلامی بی‌سابقه و نظریه‌ای مترقی و جذاب برای اندیشمندان اسلامی بود. ابداع امام در این ایده‌پردازی، افزون بر قابلیت فقه بر اداره جامعه، شایستگی فقیه بر اداره جامعه بود که تحولی بزرگ در اندیشه سیاسی در تمدن اسلامی نمود (ر.ک: امام خمینی، بی‌تا: ص ۱-۲۸) پیرامون

این نظریه در باب فقه حکومتی و تکمله تحول‌ساز آن که حاکمیت فقیه و فقهای در عصر غیبت را مطرح و زمینه را فراهم‌تر از گذشته برای اثبات قابلیت و ظرفیت شگرف علم فقه در عرصه تمدن نمود یافت؛

رابطه میان حوزه‌های علمیه شیعه و فقه حکومتی

بی‌گمان حوزه‌های علمی شیعه از نظر وسعت و حجم محتواپردازی و تحلیل و نقد و بررسی آثار و آرای گوناگون در زمینه فقه حکومتی بی‌نظیر است؛ حجم و گستره آن نسبت به علوم دیگر حتی علوم قرآن و حدیث که سابقه دیرین‌تر از نظر تدوین و تکون نسبت به فقه دارند فزون‌تر و خیره‌کننده‌تر است؛ آثار فقهی در تمدن اسلامی و در میان دیگر علوم اسلامی برجسته‌تر است؛ بی‌گمان هر منصفی در تکاپو و تحقیق تتبع به این حقیقت می‌رسد. مجموعه‌های غنی که امام از آن به فقه سنتی یاد می‌کند، مثل آثار فقهای متقدم شیعه از سلار تا شیخ مفید و طوسی و شهیدین و خاندان حلی با نظریه‌ها و آثار متکثر و متنوع و نراقی‌ها و فقه جواهری که بر تقویت آنها امام تأکید کرده‌اند، فراوانند و اینها نشان می‌دهد که حوزه شیعه در طول تاریخ کارنامه تمدنی سترگی داشته و در تولید علم فقه که کاربردی‌ترین علم تمدنی است سابقه بی‌بدیل داشته است؛ آثاری مانند لمعتین و شروح آن و شرایع الاسلام و شروح آن مثل جواهر الکلام، تحریر الاحکام، تذکره الفقهاء، مختلف الشیعه، منتهی المطلب و نهاییه الاحکام با ابداعات و نوآوری‌های شگفت‌انگیز تدوین شده است. بحث‌هایی مانند حدود و ابواب دیگر فقه از طهارت که اساسی‌ترین مقوله تمدن، بهداشت و حفظ سلامتی فرد و جامعه، تا عبادات که تأمین‌کننده نیاز و سلامتی روحی انسان است، جملگی دارای فلسفه‌ی عمیقی است؛ و گرنه صرف گفتن و بیان و نوشتن، دردی را درمان نخواهد کرد؛ بلکه برای عمل است و حاکمیت می‌تواند بهترین مجری فرامین فقهی باشد.

لذا علمای متقدم شیعه به جداناپذیری دین و سیاست قائل بوده‌اند. اللعنه الدمشقیه، دروس، ذکری، حدائق بحرانی، مستند الشیعه نراقی، عروه الوثقی و صدها عنوان، مجموعه‌های علمی نفیس در فقه شیعه هستند. شهید اول کتاب لمعه را به درخواست حکومت شیعه سربرداری برای اداره جامعه شیعی تازه تأسیس سربرداری نگاشت (لمبتون، ۱۳۷۴: صص ۴۲۸، ۳۶۸). شهید اول فقیه را دارای اختیارات حاکمیتی و فقه را این‌گونه می‌نگارد و شهید ثانی در شرح این کتاب، اختیارات فقیه را مثل شهید اول دیده و اطاعت از او را بر مردم واجب می‌شمارد (همان: ص ۴۲۹). محتوای همه اینها نشان می‌دهد که دین و سیاست جدا انگاشته نشده است؛ اگرچه فقهای شیعه به علل مختلف، بیشتر در عمل، از سیاست و حکومت مدت‌ها فاصله داشتند و از آن دور بوده‌اند. در واقع حوزه‌های علمی شیعه در تولید محتوای فقه حکومتی قرن‌ها کوشیده است و این محتوای بی‌مانند را تحویل حوزه معاصر داده است. در باب فقه حکومتی، تربیت مدیران متخصص در علم القضاء، نمونه کاملی از توانمندی بخشی از فقه است. در طول تاریخ و تمدن اسلامی، برخی از علمای بزرگ شیعه مستقل از حکومت، بخشی از شئون حکومتی فقه را در منصب قضا عملیاتی و به اجرا گذاشته‌اند،



مانند سید محمدباقر زنجانی شفتی در اصفهان عهد قاجاریه (فروغ پارسا، ۱۳۹۳: ۲۱-۳۹). یا آخوند ملا قربانعلی زنجانی ضمن تاسیس مکتب فقهی نجف، به اجرای احکام فقهی در جامعه دارای محبوبیت و مقبولیت اجتماعی ممتاز بوده است. (امیر علی حسنلو، ۱۳۹۸، ص ۱۸)

پس از انقلاب اسلامی ایران، مرحوم آیت الله عمید زنجانی که در حوزه زنجان، قم و نجف تحصیل کرده و از جمله نخبگان حوزوی بود، با ابداع روشی نوین و نگاهی نوآورانه در نوشتن دانشنامه فقه سیاسی در فصول و ابواب وسیع و روشمندان، در زمینه فقه حکومتی گام بلندی برداشته است (ر.ک: عمید زنجانی، ۱۳۸۹: مقدمه، ص ۷) و مقام معظم رهبری هم نظر داشتند که این حرکت می تواند، مثل الگوی شیخ بهایی در ابتکار روش رساله نویسی به فارسی الگو باشد. به فرموده رهبری معظم انقلاب اسلامی، حوزه می تواند بر اساس همین کتاب مرحوم آقای عمید حرکت کند (ر.ک: حسنلو، ۱۳۹۸: ص ۱۰-۲۲).

نیازمندی و بایسته‌های فقه حکومتی در تمدن اسلامی نوین

تمدن نوین اسلامی که بر اساس و محور اندیشه ولایت فقیه امام خمینی علیه السلام تأسیس شده است، حیات دوباره و نگاه جامع به اندیشه فقه حکومتی با بینش و نگرش وسیع تر و دامنه گسترده تر امام به فقه محقق گردید. امام به فقه همسان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نگریسته و ظرفیت و کارآمدی فقه در اداره جامعه را با این نگرش به اثبات رساند.

از آنجا که امامان شیعه پس از حکومت امیر مؤمنان علیه السلام و اندکی پس از حاکمیت امام حسن علیه السلام حاکمیت نداشته‌اند، خلأ ناشی از حکومت معصوم سبب گردیده است که در باب فقه حکومتی، آیات و روایات، مورد توجه عمیق و تفصیلی قرار نگیرد. از طرفی بینش و دیدگاهی در بین فقهای شیعه به وجود آید که تقیه و دوری از حکومت و اداره جامعه را در اذهان تداعی کند؛ در حالی که در سیره ائمه اطهار علیهم السلام حضور شیعیان در حاکمیت مورد تأیید بوده است. حضور ابن یقطین و دیگران این نگاه را تقویت می کند (شیخ مفید ۱۴۱۳، ص ۲۲۸).

حاکمیت شیعیان از امامیه تا فرق دیگر شیعه، از حکومت مختار و زیدیان و حسینیان و اسماعیلیه در مناطق مختلف و تا حاکمیت آل بویه، تجربه اداره جامعه با نگاه شیعه را که دست آوردهای تمدنی بزرگ داشته را اثبات می کند. ارتباط با علمای شیعه مانند شیخ مفید و سیدین رضی و مرتضی و برخی از حکمرانان شیعی مذهبی اعم از امامی و دیگر فرقه‌های شیعه و سرداران که با شهید اول ارتباط داشتند و در دوره ایلخانی خواجه و علامه نظریاتی را براساس فقه شیعه ارائه داده و این آراء عملی شده است که حاکی از قابلیت و ظرفیت و جامعیت فقه شیعه و فقه حکومتی شیعه است.

بیش از هر زمان در دوره صفویه علمای بزرگی چون محقق کرکی، پدر شیخ بهایی و خود شیخ و... فقهای دیگر شیعه جامعیت فقه شیعه را درکشورداری و حکومت و اداره جامعه به خوبی نماینده اند؛ از اینرو بی تردید فقه شیعه توانمندی و پتانسیل اداره حکومت را در هر زمان داشته است؛ اما با این مسئله

بیاگاه فقه علمایی: ائمه ضرورت تصویر آن در عین و نون اسلام

درگیر نشده است.

در عصر حاضر که فقه حکومتی با نظام ولایت فقیه تقارن پیدا دارد؛ رویکرد نوین وجود دارد. با توجه به پیشرفت‌های حیرت‌آور قرن حاضر و نوآوری‌های فنی و صنعتی، فرصت خوبی برای بازتیین روشمند این محتوای غنی و این میراث گرانبها به وجود آمده است

این محتوا با حفظ اصول و موازین، محتاج ویراست و بازتیین جدید و بازتولید است براساس موضوعات مستحدث و مبتلا به جدید از بانکداری تا معاملات ارزی و... تا بتوانند آرای فقها را به‌خوبی درک و تبیین کنند، به همان نحو که شرایع را صاحب جواهر بر اساس نیازهای زمان بازتولید کرده است، برای فقه شیعه، در این دوره طلایی زمینه و بستری فراهم شد که با توجه به سؤالات جدید و شبهات فقهی جدید که به تضارب آرا و دیدگاه‌ها و تنش‌های فکری دست یابد و در این عرصه به تکامل قوی‌تر و مراتب بالاتر صعود و در عرصه‌های مختلف زندگی فردی جلوه نموده و دستورات شرعی و سبک زندگی اسلامی را ارائه دهد تا شرایط را برای زندگی سعادت‌مندان در بستر تمدن نوین اسلامی فراهم آورد.

گذشتگان ما مانند علمای عصر ایلخانی که علامه حلی نمونه برجسته این دوره است، برای ترویج فقه و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام در میان مردم تلاش کردند. علامه حلی نیاز زمان را دریافت و برای توسعه فقه حکومتی کوشش نمود. بیشتر مردم ایران در زمان ایلخانان شیعه بودند؛ ولی احکام فقهی شیعه نیازمند تبیین درست بود. علامه برای تربیت عالمان شیعه، این مدرسه السیاره را ایجاد کرد تا احکام را به مردم تعلیم دهد و در ارتباط نزدیک با مردم مستقر و دسترس مردم باشد؛ این رویکرد علامه ابداعی نوین و براساس نیازهای زمان بود.

در دوره صفویه افرادی چون محقق کرکی، شیخ بهایی، علامه مجلسی و فیض کاشانی، فقه اجتماعی و حکومتی و آداب زندگی اسلامی را به زبان روز و به‌صورت زیبا و روشمند، تبیین کردند و فرهنگ مردم و سبک زندگی آنها را با آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام اصلاح و ترقی دادند. اگر گذشته فقه تشیع با چشم‌انداز وسیع مورد توجه قرار گیرد، مجاهدت و نقش و کارکرد علمای شیعه و جامعیت فقه شیعه در ایجاد چنین حکومت‌هایی روشن می‌گردد؛ آنها در دوره خود احساس نیاز کرد و ضروریات و نیاز جامعه را به‌خوبی درک نموده و اقداماتی فرهنگی بسیار مفید داشته‌اند؛ علامه مجلسی در دوره خودش احساس می‌کند که عموم مردم عربی نمی‌دانند و به منبعی برای آشنایی با فرهنگ اسلامی نیاز دارند که بیان آن ساده باشد؛ از این رو، کتاب حلیة المتقین را نوشت. این کتاب ابتکاری از سوی علامه مجلسی است و در نوع و زمان خود بی‌نظیر است. شیخ بهایی جامع عباسی را نوشته که الگوی رساله‌های عملی ماست و بعدها این روش استمرار یافت. فیض کاشانی رساله‌های کوچکی را در سطوح مختلف برای کودکان، بزرگسالان و هنردوستان که ذائقه نظم‌پسند دارند، به زبان شعر در احکام نماز و دیگر مسائل مهم نوشت (حسنلو، ۱۳۸۸: ص ۱۸۹-۲۶۴). اینها نمونه‌هایی از کارهای حوزه است. امروزه حوزه باید نیازهای زمان و جامعه را به‌درستی شناخته و بر اساس آنها آثاری را

تولید و گرایش‌های علمی را بر محور این نیازها ایجاد نماید و از الگوی ابتکاری علامه حلی در تاسیس مدرسه السیاره و ترجمه آثار اهل بیت علیهم‌السلام به زبان‌های دیگر که علمای عهد صفوی به آن واقف و عمل نمودند را عملی نماید همه این تلاش‌ها در راستای اصلاح جامعه و سبک زندگی مردم و پاسداری از ارزش‌ها و جزو فقه اجتماعی و حکومتی بوده است. چگونه می‌توان فقه را که در اداره نظام‌مند زندگی مردم حاکمیت دارد، از حکومت جدا کرد؟ ارتباط تنگاتنگ فقه با زندگی، به معنای اداره و مدیریت انسان بر اساس فقه است و خواسته اسلام همین است.

بینش جامع امام به فقه این‌گونه بود که باید فقه در عرصه اجتماع جاری شود و پس از این جریان است که حکومتی بر اساس فقه قابل تشکیل است. فرهنگ‌سازی بر اساس فقه را امام از سال ۱۳۴۲ آغاز کرد و این جریان و سرریان فقه بود که جامعه را از پایین و لایه‌های زیرین دگرگون و به سوی انقلاب و تغییر لایه‌های بالا و هرم قدرت و حاکمیت سوق داد و انقلاب بزرگ فرهنگی و تمدنی روی داد. این قدرت و جامعیت فقه در نگرش امام بود که نویدبخش ساماندهی نوین تمدن اسلامی گردید.

بی‌تردید برای استمرار این بنیان تمدنی و شکوفایی هرچه بیشتر آن، بایسته است که حوزه‌های علمیه و دانشمندان فقه‌شناس و فقیه، با تولید برنامه‌های فرهنگ‌ساز با الهام از تلاش‌های فقها و علمای پیشین از عصر غیبت کبری تاکنون، برای شکوفایی و بقای این نگرش، تدبیر و اندیشه نمایند. رصد و شناخت نیازهای اجتماعی و پاسخ به موقع به این نیازمندی‌ها، می‌تواند از جمله عوامل پایداری تمدن نوین اسلامی بر محور بینش امام خمینی علیه‌السلام باشد.

رسالت حوزه در بالا بردن کیفی و کمی فقه حکومتی در تمدن نوین اسلامی

۱. تأسیس کرسی‌ها و گرایش‌های نوین با رویکرد فقه تمدنی

کرسی‌های درس خارج درباره فقه تمدنی، از جمله ضرورت‌های امروزی حوزه است. پس از چهل و اندی سال که از استقرار حکومت اسلامی در ایران سپری شده است، حوزه هنوز درس‌های خارج با عنوان فقه حکومتی و فقه تمدنی را به صورت گسترده در موضوعات متنوع برگزار نکرده است. امروز قبل از هر چیز ضرورت دارد که حوزه نیازها را بشناسد و گسل‌ها و نقاط آسیب‌پذیر را شناسایی کند. پس از درک درست و منطقی از نیازها، وظایف مشخص شده و برنامه‌ریزی و طرح‌های سنجیده و کاربردی انجام پذیرد. همچنین بر اساس نیازهای زمان، دانشمندان آشنا به نیازهای روز را تربیت کند و به همین جهت لازم است که در متون درسی به طور جدی تجدید نظر کند و متونی را که مربوط به دوره‌های گذشته است، لااقل از نظر ادبی روزآمد کند و به نیازهای امروز جامعه بپردازد. یکی از وظایف حوزه، استفاده از رهنمودهای بزرگان حوزه است؛ از این رو با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در سال ۷۴ که فرمودند حوزه نباید از زمان عقب بماند، باید در متون درسی تجدید نظر شود و مجتهد امروز باید نیازهای امروز را دریابد و پاسخ مناسب به این نیازها

پایگاه فقه‌علمی: انجمن ضرورت‌نویسان در عرصه‌های اسلام

بدهد. حوزه برای تدوین فقه حکومتی روزآمد، باید جامعه و نیازهای جامعه خود را بشناسد. سؤالات بی‌شماری در عرصه زندگی اجتماعی امروزه وجود دارد که باید با تکیه بر فقه حکومتی به آنها پاسخ دهد. فقه اسلام دستورات و آداب جامعی برای اداره تمامی شئون جامعه دارد و ظرفیت تمدن‌سازی آن بسیار بالاست و تنها نیاز آن، بازبینی با تبیین روشمند و روزآمد کردن فقه حکومتی است. تمام چیزهایی که زمینه‌ساز ظهور حضرت است، در این نظریه وجود دارد و با محوریت دستورات فقهی که در تمامی شئون جامعه وجود دارد، اگر مسئولین حوزه به این سو حرکت کنند، جامعه اصلاح و مستعد ظهور می‌شود. اگر مقام معظم رهبری به این مسئله توجه دارند، به‌خاطر وقوف ایشان بر این مسئله است که اگر حوزه به این سمت حرکت کند، نتایج مثبتی خواهد داشت.

۲. توانایی حوزه در تربیت نیروهای علمی توانمند

ظرفیت تربیت نیروی متعهد در حوزه بسیار بالاست. پیشینه حوزه گواه خوبی برای اثبات این مدعاست. حوزه توانایی و ظرفیت تربیت این نیروها را دارد. با نیم‌نگاهی در بین دانشمندان در تاریخ معاصر، می‌توان شخصیت‌هایی را یافت که در دنیا بی‌نظیر یا کم‌نظیر بودند که بیشترشان در نظام آموزشی حوزه تربیت یافته‌اند. البته منکر توانمندی مراکز دیگر نباید بود که در آنها نیز مدیران و دانشمندان متعهد و متخصصی از زمان تأسیس وجود داشته است. نمونه‌هایی چون دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر گرجیان، علامه جعفری، محدث ارموی، شهید مطهری، شهید بهشتی و استاد رضا روزبه زنجانی، حوزویانی هستند که در زمینه علوم مختلف نبوغ و نوآوری‌های زیادی داشتند. ایشان هر جا که حضور یافتند، مؤثر بودند و در دانشگاه نیز محور بودند. آنها آثار فاخر علمی آفریدند و شاگردان زیادی را تربیت کردند. حوزه این ظرفیت و توانمندی را دارد که باز هم از این نیروها تربیت کند. بسیاری از نیروهای حوزه علمیه در مراکز مختلف علمی ایران و خارج از ایران، در اوج قله نوآوری هستند. رهبری معظم آرزو دارند که حوزه ضمن نخبه‌پروری گذشته، به‌روز باشد. این نیروی بالقوه در حوزه وجود دارد و رهبری معظم به‌خوبی به این استعداد و ظرفیت حوزه واقف هستند. اما حوزه باید تدبیری اندیشه کند که ضمن حفظ این استعدادها در درون خود، از شکوفایی استعدادها حمایت کند تا به بار بنشیند.



نتیجه‌گیری

برخی از نتایج این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. برخورداری اصول زندگی متمدنانه از فقه جامع اهل بیت علیهم‌السلام و ارائه آن برای اصلاح تدریجی سبک زندگی مردم؛
۲. اصلاح سبک سیاسی جامعه و الگوسازی برای اداره جامعه برگرفته از اصول اسلام و فقه غنی و عریق اهل بیت علیهم‌السلام؛
۳. نظریه‌سازی و پردازش تئوری‌های مدون قویم و ارائه نقشه راه روشن برای عمل کردن تا رسیدن به قله و نتیجه مورد نظر و آرمانی؛
۴. اصلاح افراد و تزکیه نفوس، که به اصلاح جامعه منجر می‌شود و فقه متکفل این فرایند است؛
۵. ایجاد ظرفیت‌های مختلف برای تربیت مدیران لایق و متعهد، چنانکه در زمینه قضا با محوریت فقه این تجربه محقق شده است؛
۶. فساد ستیزی و ترویج سلوک ساده زیستی بر محوریت فقه و سیره فقهای پارسا و قله‌های تهذیب؛
۷. پویایی و روشمندی و کارآمدی حوزه؛
۹. صیانت جوانان از شبهات اعتقادی که امروز به‌عنوان خطری بسیار جدی و فراگیر در پیش روست؛
۱۰. تولید علوم مختلف اسلامی از مبانی اصیل آن و تدوین مولفه‌های تمدن نوین اسلامی بر پایه تعقل و تحلیل‌های محورمند از مبانی قرآن علوم اهل بیت علیهم‌السلام؛
۱۲. توجه به چشم انداز جامعه جهانی مهدوی با آماده‌سازی و زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی باور مند به غایت آرمان قرآنی که وارثان زمین را مختص شایستگان دانسته است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابرو، حافظ (۱۳۵۰ش) *ذیل جامع التواریخ رشیدی*، به اهتمام دکتر خانابا بیانی، تهران، انجمن آثار ملی.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: اسعد محمد الطیب، چاپ سوم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز.
۳. ابن ابی شیبہ (۱۴۰۹ق). *المصنّف*، بیروت، دارالفکر.
۴. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۳ق). *السیاسه الشرعیه فی اصلاح الراعی والرعیه*، بیروت، دار الافاق الجدیده.
۵. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد بن خلدون (۱۹۸۸/۱۴۰۸). *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر*، مقدمه، تحقیق خلیل شحاده، ط الثانية، بیروت، دار الفکر.
۶. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد خلدون حضرمی (۱۹۹۶م). *مقدمه*، بیروت، دار مکتبه الهلال.
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: محمد حسین شمس الدین بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۸. امام خمینی (۱۳۶۳ق). *کشف الاسرار*، بی جا.
۹. اصفهانی، محمود بن محمد، دستور الوزاره، تصحیح و تعلیق: انزابی نژاد، رضا (۱۳۶۴ش). مقدمه کتاب تهران، امیر کبیر.
۱۰. پیام رهبر انقلاب به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست گذاری حوزه، ۱۳۷۱/۰۸/۲۴.
۱۱. جاحظ (۱۴۲۳ق). *البيان و التبيين*، بیروت، عام النشر.
۱۲. جستارهای فرهنگی مطالعات و انسانی علوم پژوهشگاه، زمستان و پاییز ۱۳۹۳ش، سال پنجم، شماره دوم.
۱۳. حسنلو، امیرعلی (۱۳۸۸). «فیض کاشانی و حکومت»، فصلنامه *حکومت اسلامی*، شماره ۵۱، ص ۱۸۹-۲۶۴.
۱۴. حسنلو، امیرعلی (۱۳۹۸ش). *زنجان شناسی سیمای پارسایان (قوله های تهذیب)*، زنجان، آئینه خرد.
۱۵. شهید اول، محمد شمس الدین (۱۴۱۴ق). *الدروس الشرعیه*، چاپ سوم، قم، انتشارات اسلامی.
۱۶. الصنعانی، عبدالرزاق (بی تا). *المصنّف*، المجلس العلمی.
۱۷. طباطبائی، علامه سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *تفسیر المیزان*، قم، جامعه مدرسین،
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، آل البيت.
۱۹. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، چاپ دوم، بیروت- لبنان، دار الکتب العربی.
۲۰. عبدالرازق، علی (۱۳۸۲ش). *مبانی قدرت در اسلام*، ترجمه علی رضایی، تهران، قصیده سرا.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹ش). *دانش نامه فقه سیاسی*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. فصلنامه جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۳۹۳) سال پنجم شماره دوم، مقاله فروغ پارسا، سید محمد باقر شفتی و دخالت در حکومت براساس نظریه نیابت فقها از امام زمان.



۲۳. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). **الجامع لأحكام القرآن**، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۴. لمبتون، آن. کی. اس (۱۳۷۴ش). **دولت و حکومت در اسلام**، ترجمه سیدعباس صالحی و محمد مهدی فقیهی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۲۵. مالک بن انس (۱۴۲۵ق). **موطأ الإمام مالك**، چاپ ۱، امارات - ابوظبی، مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخيرية و الإنسانية.
۲۶. مجموعه سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب در سفر سال ۷۴ به شهر مقدس قم.
۲۷. معرفت، آیت‌الله محمدهادی (۱۳۸۹). **خاطرات سال‌های نجف**، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۸. معرفت، محمدهادی (تیر ۱۳۶۸). **مجله حوزه**، سال ششم، ش ۲، شماره مسلسل ۳۲، مصاحبه با حضرت آیت‌الله محمدهادی معرفت.